

تاریخچه روز جهانی زن، نگاهی اجمالی به وضعیت زنان در جهان و ایران ویژه هشت مارس (از اسفند ماه ۱۳۸۴-۸۵)

گردآوری و تنظیم: الف. آناهیتا

تاریخچه هشت مارس

هر سال هشت مارس، روز جهانی زن، یادآور تظاهرات زنان کارگر صنعت نساجی نیویورک در هشت مارس ۱۸۵۷ را متجلی می کند. در هشتم مارس ۱۸۵۷، زنان کارگر پارچه باف در آمریکا به مبارزه برخاستند. شرایط کار و زندگی کارگران زن وحشتناک بود. آنان از ساعات کار طولانی و کشنده، دستمزد اندک و محرومیت از هر گونه امکانات رفاهی محروم بودند، علاوه بر این آنها بار نگهداری و بزرگ کردن فرزندان و کار خانگی را نیز به دوش داشتند. پس به خیابانها ریختند و خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط کار شدند. گرچه این تظاهرات به شکل خشونت آمیزی توسط پلیس از هم پاشیده شد اما در سال ۱۸۶۰، زنان کارگر با تشکیل اتحادیه ها بی خواسته‌هایشان را در خصوص بهبود شرایط کار و درآمد مساوی تکرار کردند. هشت مارس در سال ۱۹۷۰، همراه با جهانی شدن جنبش سوسیالیستی و پدیدار شدن زنان سوسیالیست انقلابی که مبارزه برای رفع تبعیض جنسیتی و تبعیض طبقاتی را در پیوندی ارگانیک می دانستند و مساله مبارزه برای رهایی زن را در دستور کار قرار داده بودند، توسط زنان کارگر حرفه دوزندگی برای اولین بار بطور غیررسمی برگزار شد. این مراسم برای بزرگداشت هزاران زن، که در اعتصابهای کارگری بیشمار اوایل قرن بیستم در برخی از مراکز کارگری، از قبیل مونترال، شیکاگو، فیلادلفیا و نیویورک، شرکت کرده بودند برگزار شد. در این بزرگداشت، زنان برای حق رای، دستمزد عادلانه، خاتمه شرایط کار طاقتفرسا و خاتمه بیگاری گرفتن از کودکان، دست

هشت مارس روز همبستگی زنان زحمتکش جهان مبارک باد

تاریخچه روز جهانی زن
نگاهی اجمالی به وضعیت زنان

در جهان و ایران
ویژه هشت مارس (از اسفند ماه ۱۳۸۴-۸۵)



گردآوری و تنظیم:

الف. آناهیتا

به اعتراض زدند. سال ۱۹۱۰، در جریان "دومین کنفرانس زنان سوسیالیست" که زن سوسیالیست و انقلابی "کلارا زتکین" از رهبران آن بود پیشنهاد کرد که برای بزرگداشت مبارزات تاریخی زنان روزی انتخاب گردد. زنان سوسیالیست اتریشی قبلاً روز "اول ماه مه" را پیشنهاد کرده بودند. اما اول ماه مه، جایگاه و مفهومی داشت که می توانست اهمیت و جایگاه مبارزه مشخص بر سر مسئله زن را تحت الشعاع قرار دهد. پیشنهاد کلارا زتکین در این کنفرانس توسط زنان هفده کشوری که در این کنفرانس حضور داشتند پذیرفته شد. در سال ۱۹۱۰، خیابانهای آلمان، اتریش، سوئیس و دانمارک با مارش قدرتمند زنان بلرزه در آمد. تعداد زنان تظاهر کننده در اتریش به ۳۰ هزار نفر می رسید. نیروهای پلیس به تظاهرات حمله برده، به ضرب و شتم زنان پرداختند و گروهی را دستگیر کردند.

در ۱۹ مارس ۱۹۱۱، در آلمان نخستین مراسم روز زن برگزار شد. علت انتخاب این روز، اهمیت تاریخی آن در مبارزات پرولتاریای آلمان بود. سال ۱۹۱۳ "دبیرخانه بین المللی زنان" (یکی از نهادهای انترناسیونال سوسیالیستی دوم)، هشتم مارس را با خاطره مبارزه زنان کارگر نساجی در آمریکا، بعنوان «روز جهانی زن» انتخاب کرد. در همان سال، زنان زحمتکش آگاه و روشنفکر انقلابی در روسیه تزاری و در سراسر اروپا، مراسم هشتم مارس را بشکل تظاهرات و میتینگ برگزار کردند. زنان در شهرهای سن پترزبورگ و مسکو جلسه های بحث و سخنرانی تشکیل داده و تصمیم به انتشار مجله به نام «زن کارگر» گرفتند. در سال ۱۹۱۴، سرمایه داری، جهان را با جنگ جهانی اول روبرو ساخت، جنگی که فقط منافع سرمایه داران را تامین می کرد. زنان انقلابی تلاش کردند تظاهرات ۸ مارس ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ را تحت شعار مرکزی "علیه جنگ امپریالیستی" برگزار کنند. در کشورهای درگیر جنگ، اقشار و طبقات مختلف به موافقان و مخالفان جنگ تقسیم شده بودند. جنبش زنان نیز از تحولات عمومی و جهت گیریهای گوناگون سیاسی بر کنار نبود و نمی توانست باشد، چرا که این جنبش از دل همان جوامع و تضادهایش سر بلند

کرده بود و از فضای سیاسی حاکم، جدا نبود. انشعاب در صفوف جنبش زنان، مانع از برگزاری سراسری و گسترده «روز جهانی زن» شد. در سال ۱۹۱۵، و همزمان با شروع جنگ جهانی اول، زنان تلاش کردند که روز هشتم مارس «روز تظاهرات زنان بر ضد جنگ» شناخته شود و در آن تظاهراتی در سطح بین المللی انجام پذیرد که تنها در کشور نروژ تظاهراتی بزرگ برگزار شد.

ستاره هشتم مارس بار دیگر در سال ۱۹۱۷ درخشیدن گرفت. تظاهرات زنان کارگر در پتروگراد روسیه علیه گرسنگی و جنگ و تزاریسیم، بانک آغازین انقلاب بود. کارگران شهر در پشتیبانی از این تظاهرات، اعلام اعتصاب عمومی کردند. ۸ مارس ۱۹۱۷ به یک روز فراموش نشدنی در تاریخ انقلاب روسیه تبدیل شد. به همین دلیل روز هشتم مارس را «انقلاب فوریه» نیز می نامند. با پیروزی انقلاب اکتبر، زنان روسیه گامهای مهمی در راه کسب حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خویش و رفع تبعیضات و ستمهای جنسی به پیش برداشتند.

سال ۱۹۲۱، "کنفرانس زنان انترناسیونال سوم کمونیستی" در مسکو برگزار شد. در آن کنفرانس، روز ۸ مارس بعنوان «روز جهانی زن» بتصویب رسید. کنفرانس، زنان سراسر دنیا را به گسترش مبارزه علیه نظم موجود و برای تحقق خواسته هایشان فرا خواند.

از اواسط دهه ۱۹۳۰، دنیا یک بار دیگر بسوی یک جنگ جهانی جدید روان شد. برگزاری تظاهرات «روز جهانی زن» در کشورهایی که تحت سلطه فاشیسم بودند، غیر قانونی اعلام شد. علیرغم این ممنوعیت، در هشتم مارس ۱۹۳۶، زنان در برلین تظاهرات کردند. آنها از گرسنگی و فلاکت و بیکاری به تنگ آمده بودند. در همان روز، اسپانیای زخمی از فاشیسم شاهد تظاهرات هشتم مارس در مادرید بود. ۳۰ هزار زن رزمنده کمونیست و جمهوریخواه، شعار "آزادی و صلح" سر دادند.

در پی جنگ جهانی دوم، انقلابات و جنبشهای رهایی بخش در هر گوشه دنیا شکوفا شد. چین با شمار عظیم زنان و مردانش زنجیرهای کهنسال ستم و انقیاد را در هم شکست و در مدت زمانی کوتاه گامهای بزرگی در جهت رهایی زنان به پیش برداشت. در آن سالها، عمدتاً دولتها و تشکیلات های مترقی و انقلابی بودند که در بر پایی «روز جهانی زن» می کوشیدند.

در دهه ۱۹۶۰، اوضاع سیاسی در گوشه و کنار دنیا پر التهاب و توفانی بود. در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین جنبشهای رهایی بخش بپا خاسته بود. در کشورهای سرمایه داری پیشرفته نیز جنبشها و مبارزات انقلابی و ترقیخواهانه بالا گرفته بود. بر بستر این اوضاع، جنبش رهایی زن نیز اوج و گسترشی چشمگیر یافت.

در آمریکا و اروپا، زنان علیه سنن و قیود و قوانین مردسالارانه و احکام اسارت بار کلیسایی بپا خواستند. در جنبش زنان موضوعاتی نظیر "حق طلاق"، "حق سقط جنین"، "تامین شغلی"، "منع آزار جنسی"، "ضدیت با هرزه نگاری"، "کاهش ساعات کار روزانه" و غیره مطرح شد. این جنبش موفق شد در برخی از این زمینه ها پیشروی کند. دستاوردهای آن مبارزات در برخی از کشورها ماندگار شد. در آن دوره نیز، جنبش رهایی زنان بدرستی از جنبش عمومی انقلابی در اروپا و آمریکا جدا نماند و نمی توانست بماند. یک نمونه این امر، تظاهرات هشتم مارس ۱۹۶۹ در آمریکا بود. زنان انقلابی و مبارز در دانشگاه برکلی گرد آمدند و علیه جنگ تجاوزکارانه علیه ویتنام تظاهرات کردند.

در سی سپتامبر ۱۹۲۱، قرارداد بین المللی «الغای خرید و فروش زنان و کودکان» به تصویب رسید. در ده دسامبر ۱۹۴۸، «اعلامیه جهانی حقوق بشر» بوسیله مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. در اعلامیه مذکور بر اصل برابری افراد بشر تاکید شده است. به موجب ماده یک این اعلامیه، افراد از نظر حقوق و آزادی ها، بدون در نظر گرفتن جنسیت، برابر هستند.

در سال ۱۹۴۹، بر اساس پیشنهاد کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، «کنوانسیون حقوق سیاسی زنان» در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید و برای تصویب دولت ها و امضای آنها از سوی مجمع عمومی در بیست دسامبر ۱۹۵۲ آماده شد.

تا سال ۱۹۶۰، بزرگداشت روز زن تنها در کشورهایی مانند چین، آلمان و اسپانیا برگزار می شد. در ایالت متحده آمریکا، این یادبود از سال ۱۹۶۷ توسط زنان به شکل های مختلف آغاز شد.

کنوانسیون «حقوق سیاسی زنان» که در سال ۱۹۵۲ به تصویب مجمع عمومی رسیده بود، از هفت ژانویه ۱۹۵۴ لازم الاجرا گردید. در این کنوانسیون حق انتخاب کردن، انتخاب شدن و تصدی مشاغل برای زنان بدون تبعیض در نظر گرفته شده است.

در سال ۱۹۵۷، «کنوانسیون تابعیت زنان متاهل» در مجمع عمومی به تصویب رسید.

سال ۱۹۷۲، مجمع عمومی ملل متحد سال ۱۹۷۵ را سال بین المللی زنان اعلام کرد و اولین کنفرانس جهانی زنان در مکزیکو سیتی برگزار شد و بدین ترتیب راه برای مداخله متشکل و متحد زنان در سطح جهانی برای ایفای حقوق خود باز شد. این تلاش در چهارمین کنفرانس بین المللی زنان در پکن به میزان قابل توجهی نتیجه داد. در سال ۱۹۷۷، قطعنامه سازمان ملل تصویب شد و از تمام کشورهای دنیا دعوت شد که یک روز را به مناسبت حقوق زنان و صلح جهانی جشن بگیرند. در سال ۱۹۷۹، «کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان» از سوی مجمع عمومی آماده شد، و کمیته رفع تبعیض علیه زنان شکل گرفت.

در ایران نیز، هشت مارس، روز پیکار سترگ زنان برای اولین بار در رشت در سال ۱۳۰۱ از طرف جمعیت «پیک سعادت نسوان» و سپس در سال ۱۳۰۵ توسط جمعیت «بیداری زنان» جشن گرفته شد. زنان ایرانی به رغم تمام مشکلات و موانعی که بر سر راه آنان وجود داشته، همواره این روز را

جشن گرفته و با برگزاری راهپیمایی و یا گردهمایی در این روز بر خواست های به حقشان پافشاری کرده اند.

امروزه، زنان در سراسر جهان با فرارسیدن هشتم ماه مارس، باری دیگر بر مطالبات بر حق خود با راه انداختن راهپیمایی و جلسات سخنرانی تاکید می کنند. از آنجا که هشت مارس ریشه در مبارزات طبقاتی علیه سیستم سرمایه داری دارد، دولت‌مردان تلاش می کنند با راه انداختن مجالس و جشن های فرامایشی هدف اصلی مبارزه تاریخی زنان را به فراموشی بسپارند، اما با نگاهی به تظاهرات و گردهمایی زنان در بسیاری کشورها می توان بخوبی متوجه شد که آنان در این کار موفق نشده و نخواهند شد.

امروزه اعمال مجدد سیاست های نولیبرالیستی و سیاست های جنگ طلبانه از سوی سوداگران سود و سرمایه به تشدید هر چه بیشتر تضاد بین کار و سرمایه انجامیده است و این مهم که رابطه ای تنگاتنگ با مسایل زنان زحمتکش جهان دارد، باعث شده که مبارزه زنان وارد فازهای جدیدتری شود. ستم طبقاتی و جنسی بعنوان مساله ای جهانشمول به درستی نشان می دهد که صحنه مبارزه طبقاتی برای استقرار دموکراسی، صلح و سوسیالیسم هر چه بیشتر حضور زنان در عرصه مبارزه طبقاتی را طلب می کند.

▪ جهانی سرشار از خشونت و اعمال تبعیض علیه زنان

گردآوری شده از گزارشات سازمان ملل و دیگر مراجع خبری
بیش از صد و سی و پنج میلیون زن و دختر جوان در سراسر جهان قربانی عمل وحشیانه ختنه قرار گرفته اند. علاوه بر این ختنه، جان بیش از دو میلیون زن دیگر را هر سال تهدید می کند.

تجاوز جنسی یکی از بدترین فرم های آزار و اذیت های جنسی نسبت به زنان اعلام شده است. این موضوع معمولاً به بارداری ناخواسته و یا انتقال بیماری های مقاربتی مانند ایدز می شود که میزان بسیار قلیلی از آنان اصولاً گزارش می شود. علاوه بر این در رابطه با تجاوزاتی که توسط زنان مورد

شکایت قرار می گیرد، میزان بسیار کمی از پرونده ها به دادگاه ارجاع شده و در موارد بسیار نادری، فردی که این عمل وحشیانه را انجام می دهد، محکوم می شود. یک زن از هر پنج زن در سراسر جهان قربانی تجاوز جنسی شده و یا تهدید به تجاوز جنسی در طی طول عمر خود می شود.

آمار متجاوزان به زنان و دختران زندان های انگلستان در دهه اخیر به دو برابر افزایش یافته است. براساس برآورد کارشناسان در سال هزار و نهصد و نود و چهار، این متخلفان نوزده نفر بوده اند. اما این رقم در سال دو هزار و چهار به بیش از چهل نفر رسیده است. مسئولان و محققان انگلستان رشد این معضل در این کشور را شوکه کننده توصیف کرده اند و از تمامی مسئولان در این بخش درخواست همکاری کرده اند. به گفته یکی از مسئولان، آمار تجاوز در انگلیس هر سال افزایش می یابد.

سالانه، صدها هزار زن در مکزیک، مورد آزار و سواستفاده جنسی قرار می گیرند. به گزارش پایگاه اینترنتی روزنامه اتریشی "استاندارد"، آمارهای ارایه شده توسط دولت مکزیک نشان می دهد که سالانه بیش از صد و بیست هزار زن و دختر مورد آزار و اذیت جنسی قرار می گیرند و این در حالیست که نه تنها به آنان کمک نمی شود بلکه با عاملین آن نیز، برخورد قانونی صورت نمی گیرد. در همین حال، دیدبان حقوق بشر معتقد است که امکان دارد این رقم به یک میلیون نفر در سال نیز برسد.

بر اساس گزارش سازمان ملل، زنان در کشور اتیوپی بیشتر از همه توسط همسران خود مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. بر اساس این گزارش شصت درصد از زنان در اتیوپی مورد آزار و اذیت جنسی از جمله تجاوز از طرف همسران خود قرار می گیرند. در همین گزارش آمده است که دست کم در هفتاد و یک کشور قوانین کافی جهت حمایت از زنان وجود ندارد. در ۱۰۰ کشور جهان قانونی مبنی بر منع خشونت خانگی وجود ندارد و در پنجاه کشور، کسانی که مرتکب عمل ختنه زنان می گردند، تحت پیگرد قانونی قرار نمی گیرند.

بر اساس گزارش سازمان ملل، استرالیا در لیست شصت و دو کشوری که بیشترین میزان اعمال خشونت علیه زنان از طرف خویشاوندان و همسران را دارند، نزدیک به صدر قرار دارد. در میان کشورهایی که بالاترین میزان خشونت خانگی را دارا می باشد، گینه جدید با شصت و هفت درصد و زیمبابوه با چهل و نه درصد قرار دارند. در میان کشورهای صنعتی، لیتوانی با چهل و دو درصد و استرالیا با سی و یک درصد نزدیک به راس قرار دارند. در همین رابطه سال گذشته سازمان های مدافع حقوق زنان به دلیل مخالفت برخی اعضای پارلمان زیمبابوه با تصویب لایحه ای که خشونت خانگی را ممنوع می کرد، دست به تحصن زدند.

حدود نود درصد از زنان کشور افغانستان مورد خشونت قرار می گیرند. شصت درصد از دختران این کشور قبل از سن شانزده سالگی ازدواج می کنند. اخبار و گزارشات بر فروش حتی دختران هشت ساله جهت امرار معاش خانواده های افغانی خیر داده است. شمار این عروسهای کم سن و سال رو به افزایش است و پیش بینی می شود تا ده سال دیگر شمار عروسهای زیرهیجده سال به صد میلیون نفر برسد. گرچه زنان نیمی از جمعیت بیست و چهار میلیونی نفی افغانستان را تشکیل می دهند، اما آنان در دستیابی به حقوق اجتماعی و راهیابی به دانشگاه ها و موسسات آموزشی نسبت به زنان کشورهای همسایه بسیار عقب هستند. علاوه بر این زنان افغان بیست درصد کمتر از سایر زنان جهان عمر می کنند. وضعیت زنان افغانستان بعد از سقوط طالبان تغییری نکرده است و بر اساس گزارش سازمان زیرزمینی مدافع حقوق زنان افغانستان، بیش از بیست و پنج درصد از زنان بدلیل فقر روز افزون مجبور به تن فروشی شده و به دام مافیای سکس گرفتار شده اند.

ده میلیون زن ایتالیایی بین ۱۴ تا ۵۹ سال متحمل تجاوزات جنسی و یا باج جنسی قرار گرفته اند. یک سوم از زنان در این باره با کسی صحبت نمی کنند و آمار تجاوزات پنهانی که هرگز فاش نمی شود و قابل دسترسی نیست.

به گزارش روزنامه الشرق الاوسط شمار موارد خودکشی در کردستان عراق افزایش یافته است. فقط در طی دو ماه، بیست زن در سلیمانیه عراق دست به خودکشی زده اند. بر اساس این گزارش سرنگونی صدام حسین نتوانسته نقطه پایان این مساله شود، هنوز سنت های قبیله ای بر سرنوشت زنان کرد عراقی حاکم است. بر اساس همین گزارش بیشترین خودکشی بین طبقه فقیر صورت می گیرد.

دست کم یک زن از هر سه زن، یک بلیون زن در سراسر جهان مورد آزار و اذیت قرار گرفته و مجبور به انجام آمیزش جنسی در طی دوران زندگی خود شده اند. مقصر این عمل معمولاً از اعضای خانواده زنان و یا مردی است که آنان را می شناسد.

یک زن هر پانزده ثانیه معمولاً توسط همسر و یا دوست پسر خود مورد آزار و اذیت قرار می گیرد.

روزانه سی و شش هزار زن در روسیه توسط همسر و یا دوست پسر خود مورد آزار و اذیت قرار می گیرد.

هفتاد درصد زنانی که به قتل رسیده اند توسط همسران خود جان خود را از دست داده اند.

بر اساس گزارشات متعدد بیش از یک زن هر هفته در کنیا توسط همسر خود به قتل می رسد.

در آفریقای جنوبی هر دو دقیقه، دو زن مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند. هر نود ثانیه، یک زن در آمریکا مورد تجاوز جنسی قرار می گیرد. بر اساس گزارش دیگری مندرج در رویتر بیش از چهل درصد زنان آمریکایی توسط همسر و یا دوست پسر خود مورد خشونت قرار می گیرند. علاوه بر این زنان مورد خشونت قرار گرفته دو برابر بیشتر از دیگران از افسردگی رنج می برند.

یک سوم از زنان ژاپنی با خشونت های خانگی مواجهند.

آمار خودکشی زنان در جهان ۱۵ در هر ۱۰۰ هزار نفر و این آمار در انگلستان دو در ۱۰۰ هزار و در هندوستان ۱۴۸ در هر ۱۰۰ هزار نفر گزارش شده است.

بر اساس گزارش مسوولین کشور سوئد آمار قتل زنان در کشور سوئد نسبت به سال ۲۰۰۵، بطور چشمگیری افزایش یافته است.

بخشی اعظمی از افرادی که به دلایل متفاوت مجبور به ترک وطن شده اند را زنان و کودکان تشکیل می دهد.

از هر چهار زن سوری، یکی از سوی همسر، پدر یا برادر خود مورد آزار جسمی قرار می گیرد. برابر آخرین آمار رسمی، زنان چهل و نه درصد از جمعیت هیجده و نیم میلیونی سوریه را تشکیل می دهند. خشونت خانگی در سوریه، مساله‌ی خانوادگی تلقی می شود، چرا که تنها یک درصد از زنان قربانی خشونت، حاضر به تایید آن هستند و در واقع آن را، رفتار سرپرستان خانواده اعم از پدر، برادر یا همسر می دانند. زنان متاهل بیش از دختران مورد ضرب و شتم قرار می گیرند که معمولاً از طرف شوهر و به بهانه‌ی کوتاهی در انجام وظایف و خواسته‌های همسر است.

طی سال ۲۰۰۵ میلادی حدود شش هزار زن و کودک از ویتنام به خارج از این کشور قاچاق شده‌اند. اکثریت این شش هزار زن و کودک با اهدافی همچون ازدواج‌های غیرقانونی، بهره‌کشی جنسی و یا کار اجباری در سال ۲۰۰۵ میلادی قاچاق شده‌اند.

سالانه هفتاد هزار زن در سراسر جهان و به ویژه در کشورهای فقیر، بر اثر کورتاژ غیراصولی جان خود را از دست می دهند و شمار زیادی دچار آسیب جدی می شوند.

چهل و چهار درصد از مرگومیرهای مادران در جهان در اثر کورتاژ غیربهداشتی و ناسالم در کشورهای آفریقایی اتفاق می افتد.

مرگ و میر زنان افغان هنگام زایمان فاجعه است، به ازای یکصد هزار مورد زایمان در این کشور، یکهزار و پانصد زن جان خود را از دست

می دهند. علت اصلی افزایش مرگ و میرها ناشی از محدودیت در دسترسی زنان افغان به مراقبت‌های بهداشتی و نبود افراد آموزش دیده در این کشور اعلام شده است.

براساس آمار رسمی، از هر دویست و پنجاه مورد زایمان در تاجیکستان یک مادر هنگام تولد فرزندش می میرد و نود و یک نوزاد نیز قبل از رسیدن به یک سالگی فوت می کند.

با اینکه دولت نپال بالاخره در سال ۲۰۰۲، عمل کورتاژ را قانونی اعلام کرد اما هنوز نیمی از مرگ و میر مادران در نپال بدلیل کورتاژهای غیربهداشتی و ناامن در بیمارستان ها اعلام شده است.

هشتاد درصد زنان افغانی به امکانات بهداشتی دسترسی ندارند و تنها دوازده درصد زنان افغانستان با سوادند.

طبق آخرین آمار سازمان جهانی بهداشت، در حال حاضر بیش از ۷/۵ میلیون نفر در هند آلوده به ایدز هستند که بیشترین تعداد را در کل کشورهای جهان دارد. مرکز مطالعات ملی بهداشت خانواده (NFHS)، بعنوان گسترده ترین پژوهش بر روی سلامت و تغذیه در هند اعلام کرد: بر اساس آخرین گزارش این مرکز تنها ۵۷ درصد از زنان در این کشور درباره ایدز اطلاعاتی دارند. در مناطق روستایی که بیشتر مردم این کشور را در خود جای داده، کمتر از نیمی از زنان برابر ۴۶ درصد، از این بیماری آگاهی دارند.

میزان درخواست طلاق در اسپانیا ۷۷ درصد افزایش یافته است. به گزارش روزنامه الپایس، اصلاحات انجام شده در قانون طلاق در اسپانیا و تسهیل آن در نیمه دوم سال دو هزار و پنج میلادی علت افزایش شمار موارد طلاق و کاهش سی و دو و شش دهم درصدی دوره جدایی پیش از طلاق بوده است. پیش از به اجرا درآمدن قانون جدید طلاق در اسپانیا، زوجهای این کشور برای درخواست طلاق باید به مدت دو سال از یکدیگر جدا زندگی می کردند و سپس تقاضای طلاق را می کردند که این روند، دست کم سه سال مراحل قانونی آن طول می کشید. قابل توجه است که از هر ده مورد تقاضای

طلاق در اسپانیا شش مورد طلاق در سال گذشته با تفاهم طرفین انجام گرفته است.

خشونت بر علیه زنان در جنگ و کشمکش های نظامی بصورت فزاینده ای افزایش یافته تا آنجا که به معضلی جهانی تبدیل شده است. از تجاوز جنسی دست جمعی زنان، بطور سیستماتیک به عنوان ابزاری برای ترور آنان استفاده می شود.

در طی جنگ داخلی بین بوسنی و هرزگوین بین سالهای ۱۹۹۵-۱۹۹۲، بیست هزار تا پنجاه هزار زن مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند.

وضعیت زنان در عراق بسیار نگران کننده است، جان و حقوق آنان نه تنها از طرف حکومت بنیادگرا که قدرت را پس از حمله نیروهای ایتلاف به دست گرفت بلکه از طرف نیروهای اشغالگر و نیروهای رژیم مبتنی بر ولایت فقیه نیز تهدید می شود. زنان عراقی که بی شک نسبت به دیگر کشورهای خاورمیانه از حقوق بهتری برخوردار بودند نه تنها با دخالت سرعت در قانون اساسی جدید بسیاری حقوق خود را از دست دادند بلکه هر لحظه مورد حمله و خشونت فرقه گرایان، بنیادگرایان و اشغالگران قرار دارند. خانم ینار محمد، رییس "سازمان آزادی زنان عراق" در سخنرانی خود در سالن کنفرانس رادیو صدای آلمان از مشکلاتی گفت که هم اکنون زنان عراقی با آن مواجه هستند: از بیکاری و نبود امنیت و از خشونت های مذهبی که در بسیاری موارد زنان قربانی آن می شوند. از قانون اساسی جدید عراق می گوید که قوانین خانواده عراق را، دستاورد مبارزات زنان عراقی طی دهه های بسیار را، زیر سوال برده است. زیرا اصلی در این قانون وجود دارد که می گوید همه قوانین عراق باید همخوان با قوانین شریعت باشند، قوانینی که با موازین بین المللی حقوق بشر همخوانی ندارند. بدین ترتیب بسیاری فشارها بر زنان جنبه قانونی پیدا می کنند، همچون شیوه طلاق، چند همسری، سرپرستی کودکان و بسیاری مسائل دیگر که زنان ایرانی نیز طی چند دهه اخیر با آن روبرو بوده اند. بر

اساس گزارش دیگری هفتاد درصد از زنان بصره همسر خود را از دست داده اند و در

خیابان های این شهر مشغول به گدایی هستند. زنان در عراق ربوده می شوند، در زندان توسط نیروهای اشغالگر مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند و در صورت آزاد شدن به نام دفاع از ناموس به قتل می رسند، ربوده می شوند و ...

خانم حلیمه احمد حسین، مدافع حقوق زنان عراقی، سی و هشت ساله در برابر چشمان فرزندانش توسط ده نفر مسلح در محل مسکونی خود به قتل رسید. در همین رابطه خانم امیره عبدالکریم العقبانی، مسوول بخش زنان در سندیکای کارگری عراق که مخالف شدید دخالت رژیم حاکم بر تهران در مسایل عراق بود، بدست عوامل جمهوری اسلامی به طرز وحشیانه ای کشته شد.

فعال، نویسنده و مربی عراقی، امان احمد خماس در رابطه با تجربیاتش به عنوان یک شهروند و یک زن عراقی در دانشگاه پرینس جرج در مری لند ابراز داشت که ما سیستم آموزش و پرورش خوبی قبل از جنگ داشتیم، اما امروز سیستم آموزشی بسیار صدمه دیده است. بسیاری از مدارس و دانشگاه های کشور هنوز فعال هستند اما بسیاری از آنان به غارت رفته و ویران گشته است. بسیاری مکان های ورزشی مخصوص زنان بسته شده اند زیرا مدیران این موسسه ها نامه های تهدید کننده از طرف بنیادگرایان دریافت کرده اند. جان آموزگاران و پرفسوران زن در خطر است. بسیاری از دانشجویان بدلیل هراس به قتل رسیدن دست از تحصیل کشیده اند. با وجود تمام خطراتی که زنان عراقی را تهدید می کند، آنان خاموش ننشسته اند. به عنوان مثال، بیش از دویست نفر زن در ماه می سال دو هزار و شش با برگزاری راهپیمایی در نزدیکی محل استقرار نیروهای آمریکایی در بغداد از نیروهای آمریکایی و عراقی خواستند تا مانع حمله گروه های بنیادگرا به عراقیها شوند.

از میان ۵۵۰ میلیون کارگر کم درآمد جهان، حدود ۳۳۰ میلیون نفر یا (حدود ۶۰ درصد) را زنان تشکیل می‌دهند. به طوری که درآمد آنان به سبب اندک بودن نمی‌تواند جوابگوی نیازهای آنها و خانواده‌هایشان باشد.

بر اساس گزارشی که از سوی ماهنامه "کار و جامعه" موسسه کار و تامین اجتماعی وزارت کار و امور اجتماعی انتشار یافته است، میزان بیکاری زنان در جهان بیش از مردان است و این تفاوت در کشورهای شمال آفریقا، خاورمیانه و حاشیه صحرای آفریقا بیش از سایر کشورها است. به ازای هر ۱۰۰ مرد در جهان ۶۸ زن به کار اشتغال دارند که بیشترین تفاوت در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا ۳۶ زن و کمترین در کشورهای در حال گذار و شرق آسیا به ترتیب ۹۱ و ۸۳ زن به ازای هر ۱۰۰ مرد شاغل است. بر اساس آمار سازمان ملل متحد زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند اما نزدیک به دوسوم از کار جهان برعهده ایشان است، فقط ده درصد از درآمد جهان را دریافت می‌کنند و دارایی آنها کمتر از یک درصد است.

بر اساس گزارش سال ۲۰۰۵ یونیسف، چهل درصد از فعالیت های اقتصادی جهان را زنان انجام می دهند. اما عایدی زنان در آسیای شرقی و میانه شصت و دو درصد عایدی مردان تخمین زده شده است. درآمد زنان حتی در کشورهای در حال توسعه فقط پنجاه و هفت درصد عایدی مردان است. شکاف جنسیتی در پرداخت دستمزد در تمام کشورها وجود دارد و بر اساس شواهد و آمار موجود دستمزد پایین زنان بطور بسیار خشنی بیست درصد پایین تر از مردان است. در کشور مکزیک خدمتکاران خانگی زن، در هر هفته سی و سه ساعت در هفته مسوولیت خانگی را در مقابل سهم مردان که شش ساعت در هفته تخمین زده شده است را بر عهده دارند. زنان در هندوستان در هفته سی و پنج ساعت صرف کارهای طاقت فرسای خانگی می کنند در صورتیکه این میزان برای مردان در مدت زمان برابر فقط چهار ساعت است. زنان کمتر از مردان به مشاغل دارای دستمزد و حقوق منظم دست می‌یابند و

در همه کشورهای جهان، مشارکت زنان در کارهای خانوادگی بیشتر از مردان است.

با وجودیکه طبق آمار موجود، میزان اشتغال زنان در همه جای جهان رو به افزایش است که این نیز بدلیل اعمال مجدد سیاست های نولیبرالیستی موقتی خواهد بود، اما احراز رتبه‌های ریاست و مدیریت، با سیر فزاینده این حضور همخوانی ندارد و بیشتر زنان شاغل در حوزه هایی معین، با پیشرفتی متوسط درجا می‌زنند. بر اساس آخرین مطالعات انجام شده توسط انستیتوی تحقیقات شغلی و بازار کار نورنبرگ، تنها یک چهارم مدیران در آلمان، زنان هستند و جالب آن که تعداد روسای زن در شرق آلمان به مراتب از غرب بیشتر است.

نتایج بررسیها نشان می‌دهد که احتمال افزایش اشتغال زنان با کاهش باروری همراه است، به طوریکه طی سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ میلادی این دو شاخص با هم متفاوت بودند و کاهش یک شاخص، افزایش شاخص دیگر را به دنبال داشته است. تفاوت دستمزد به تفکیک جنسیت است، به طوری که زنان در شش شغل حسابداری، بانکها، برنامه‌نویسی رایانه، معلم ابتدایی، کارگر ساخت و ساز، پرستار حرفه‌ای و جوشکاری فلزات در شرایط مساوی با مردان، کمتر از ۹۰ درصد دستمزد دریافت می‌کنند و در برخی از این مشاغل تفاوت دستمزد بیشتر نیز می باشد.

زنان در آمریکا از سال دو هزار، بیشتر از نیمی از درجه تحصیلی لیسانس در رشته های مهندسی و علمی را به خود اختصاص داده اند اما مردان نسبت به زنانی که دارای درجه دکترای مهندسی و علوم هستند چهار برابر بیشتر بطور تمام وقت در حوزه های استادی دانشگاه ها مشغول به کار هستند. این گزارش اضافه می کند که این مساله بخوبی نشان می دهد که دانشگاه ها در آمریکا به طور کلی علیه استادان زن در پرداخت دستمزد، ترفیع و ارایه جایزه پایه گذاری شده است.

سهم زنان در بخش خدمات، مشاغل سنتی و کشاورزی بیش از مردان است و بررسی مشاغل به تفکیک جنسیت بیانگر این واقعیت است که احتمال اشتغال زنان در اقتصاد غیررسمی، فاقد چارچوبهای قانونی و نظارتی است و مزایای تامین اجتماعی آنان اندک و یا هیچ مزایایی در بر ندارد.

بر اساس نظر سنجی موسسه کاریابی «بیت»، هفتاد و پنج درصد زنان خاورمیانه با تبعیض جنسیتی در اشتغال روبرو هستند. بر اساس این نظرسنجی، بیشترین اعمال تبعیض جنسیتی به زیان بانوان جویای کار در بخش نفت و گاز صورت می‌گیرد. بخشهایی که بطور سنتی به مردان اختصاص دارند مانند بانکداری و مالی نیز در قسمت بالای این فهرست قرار دارند.

بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، زنان بیش از شصت درصد کارکنان شرکتهای خانوادگی را تشکیل می‌دهند بدون اینکه دستمزدی دریافت کنند. زنان خاورمیانه درآمد کمتری نسبت به مردان دارند و پستهای پایین تر شغلی نسبت به مردان به آنها پیشنهاد می‌شود.

بر اساس گزارش فدرال کشور سوئیس گرچه قانون تساوی حقوق زن و مرد ابزار مناسبی برای زنان جهت جلوگیری از تبعیض است ولی زنان سوئیس به به خاطر ترس از دست دادن شغل خود، اغلب در این گونه زمینه های تبعیض آمیز اعتراض و مقاومت نمی کنند. بر اساس همین گزارش در شرایط مساوی زنان سوئیس تا بیست و پنج درصد کمتر از مردان دستمزد دریافت می کنند.

شانزده سال پس از گذشت وحدت دو آلمان، هفتاد و دو درصد از زنان در پنج ایالت شرقی این کشور (آلمان شرقی سابق) خود را مورد تبعیض می بینند.

یک سوم اساتید دانشگاه ها، صاحبان شرکت ها، نمایندگان کنگره و مقامات عالی دولتی در اسپانیا زن هستند.

درآمد زنان اسپانیایی در سال ۲۰۰۵، سی درصد از درآمد مردان این کشور کمتر بوده است. زنان این کشور سال گذشته، بطور میانگین ۱۲ هزار و ۸۰۰ یورو درآمد داشتند در حالیکه این رقم برای مردان ۱۸ هزار و ۳۲۱ یورو بوده است.

در برخی از نقاط اردن زنان کارگر در ازاء ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار روزانه فقط ۶۰ دلار در ماه دریافت می‌کنند که نسبت به نرخ تورم بسیار پایین است. طی بیست سال گذشته زنان کارگر بیش از دو برابر نیروی کار کشور قطر را به خود اختصاص داده اند. آمار از افزایش چهارده درصد سال ۱۹۸۶ تا سی درصد سال ۲۰۰۴ را در این رابطه نشان می دهد. از سوی دیگر هفتاد و یک درصد زنان کارگر قطری از تحصیلات دانشگاهی برخوردارند که این میزان برای مردان کارگر فقط سی و سه درصد است. اما بر اساس بررسی بانک جهانی، زنان قطر هنوز در بسیاری از حوزه های کاری در بخش مدیریتی نقشی ندارند.

مجلس نمایندگان کشور فیلیپین با اصلاح بند ۱۳۵ تا ۱۳۷ قانون کار کشور، جهت حمایت از حقوق زنان شاغل و بالا بردن امتیازات و منع تبعیض جنسیتی در هنگام استخدام زنان، قانون جدیدی را به تصویب رساند. این قانون دست کارفرمایان را در ارجحیت دادن به متقاضیان مرد نسبت به متقاضیان زن در بسیاری عرصه های کاری و حتی کارآموزی کوتاه می کند، البته در صورتیکه زنان متقاضی از کفایت و صلاحیت برابر با متقاضیان مرد برای کار مزبور برخوردار باشند.

طبق قانون جدید بحرین، از اول سپتامبر سال جاری میلادی همزمان با آغاز سال تحصیلی دانشگاه‌های این کشور، دانشجویان موظف شده‌اند شئونات اسلامی در پوشیدن لباس و اصلاح موی سر خود به هنگام حضور در محل تحصیل را رعایت کنند. طبق این قانون، دختران از پوشیدن لباس‌های تنگ و کوتاه و غیر اسلامی منع شده و دانشجویان پسر نیز نباید لباس‌های نامناسب غربی بپوشند و موهای خود را به شکل‌های غیر متعارف اصلاح کنند. به

گزارش ایران، تعدادی از دانشجویان بحرینی ابلاغ این قانون را محکوم کرده و آن را نوعی دخالت در امور شخصی خود می‌دانند. در عین حال برخی دانشجویان اجرای این قانون را بسیار خوب توصیف کرده و از اینکه از تبدیل شدن دانشگاه‌های بحرین به محلی برای مد لباس و موی سر جلوگیری می‌شود، اجرای آن را بسیار مناسب می‌دانند. "شیخ محمد خالد" عضو پارلمان بحرین نیز در این خصوص گفت: بحرین یک کشور مسلمان و اسلامی است و باید قوانین و ضوابط آن نیز منطبق با قوانین اسلامی باشد. وی افزود: مطمئن هستم که تمامی دانشجویان این قانون را رعایت خواهند کرد و به هیچ عنوان موجب تعطیلی دانشگاه‌ها نمی‌شود.

سال گذشته دولت بحرین جهت کاهش اشکال متفاوت تبعیض علیه زنان کارگر طرح قانونی را در دستور کار قرار داد که زنان کارگر برای دوره زایمان چهار فرزند اول خود، حقوق دریافت کنند و همچنین این طرح از حقوق زنان کارگر باردار در مقابل اخراج توسط کارفرمایان حمایت کند. علاوه بر این کارفرمایان می‌بایست به زنان کارگری که به کودکان خود شیر می‌دهند یک ساعت در میان ساعات کاریشان، مهلت بدهند.

زنان در پایان سال ۲۰۰۵ میلادی ۳۱۶ درصد از کرسی‌های پارلمان کشورهای جهان را به خود اختصاص دادند در حالی که این رقم یک سال قبل از آن، ۷۱۵ درصد بود.

بر اساس گزارش کمیسیون مقام زن سازمان ملل با وجود موفقیت ۳ زن در شیلی، لیبیا و آلمان در رسیدن به بالاترین مقام اجرایی کشور در سال گذشته میلادی، هنوز روند حضور زنان در مشاغل اجرایی و تصمیم‌گیری در سراسر جهان بسیار کند است. مشاور ویژه دبیر کل سازمان ملل در این باره گفت: طی ۱۰ سال گذشته روند رشد حضور زنان در پارلمان‌ها (مجالس قانون گذاری) سریع بوده با این حال با در نظر داشتن نرخ رشد فعلی، برابری بین زنان و مردان در پارلمان‌های کشورهای جهان تا سال دو هزار و چهل امکان‌پذیر نخواهد بود. بر پایه این گزارش، بر اساس گزارش کمیسیون

مقام زن سازمان ملل، رواندا با رقم ۴۸/۸ درصد بیشترین زنان قانون‌گذار را در پارلمان خود دارد بعد از رواندا سوئد با ۴۰ و پنج و سه دهم درصد و نروژ با سی و هفت و نه دهم درصد درصد زن در مجلس در مکان‌های سوم و چهارم جهان قرار دارند.

به نوشته دومنیون پست، اتحادیه بین‌المجالس طی گزارشی اعلام کرده است که در سال ۲۰۰۵، زنان تنها شانزده و سه دهم درصد اعضای پارلمانهای جهان را تشکیل می‌دادند در حالیکه این نرخ برای پارلمان نیوزیلند سی و دو و دو دهم درصد بوده است. از سی و نه کشوری که در سال قبل میلادی نیز انتخابات پارلمانی برگزار کرده‌اند زنان بیست درصد منتخبان مجالس را تشکیل داده‌اند.

سال گذشته، جایزه بین المللی آزادی مطبوعات را به روزنامه نگار زن لبنانی که در بیست و پنجم سپتامبر سال گذشته هدف ترور نافرجام قرار گرفت، اعطا کرد. در همین رابطه یونسکو با صدور بیانیه ای اعلام کرد: «شדיاق» به دلیل فعالیت‌های جسورانه اش در این عرصه در کشوری که همچنان از آثار سال‌های جنگ داخلی این کشور در رنج است، برنده جایزه بیست و پنج هزار دلاری آزادی مطبوعات شد.

زنان کویتی که سالهای متمادی از حق رای و انتخاب شدن محروم بودند با تصویب قانونی توسط دولت در ماه مه سال ۲۰۰۵، به حق رای دست یافتند. این قانون به آنان اجازه شرکت در انتخابات محلی و پارلمانی را داد. البته انتخابات پارلمانی با شرکت زنان از سال ۲۰۰۷ آغاز می‌شود. در همین رابطه زنان کویتی در اولین تجربه انتخاباتی خود، انتخاب اعضای شورای شهر، موفق نشدند یکی از دو کاندید خود را بر کرسی بنشانند. اما یکی از کاندیدای زن مقام دوم را دریافت کرد. در انتخابات میان دوره‌ای شورای شهر در منطقه پنج کویت که در آن بیست و هشت هزار نفر حق رای داشتند نیز دو نفر از هشت نامزد، زن بودند که در این رابطه نیز زنان موفق به کسب رای کافی نشدند.

با کسب حق رای و حق انتخاب شدن زنان کویتی، زنان عربستان سعودی نیز برای حق راندگی تلاش کردند و در همین رابطه حداقل طی سال گذشته یک زن بدلیل راندگی دستگیر شد. جدیداً سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان سعودی، در سفر به «مادرید» پایتخت اسپانیا از اینکه زنان سعودی نمی‌توانند راندگی کنند، دفاع و تأکید کرد که جامعه سعودی این قضیه را پذیرفته است. وی همچنین اضافه کرد که این موضوع، موضوعی اجتماعی است و هیچ ارتباطی به سیاست ندارد. از سوی دیگر، ملک عبدالله، پادشاه عربستان ارتقاء موقعیت زنان در جامعه را از جمله اولویت‌های برنامه توسعه عربستان در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ قرار داده است. اما مقامات این کشور بر این نکته تأکید دارند که این امر باید بر اساس موازات اصول اسلام باشد. سال گذشته دو زن در انتخابات اتاق بازرگانی و صنایع شهر جدّه برنده شدند. در آن انتخابات، ۱۷ زن با ۵۴ مرد به رقابت پرداخته بودند. علاوه بر این، بیش از نیمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های سعودی را زنان تشکیل می‌دهند اما فقط ۵ درصد از نیروی کار این کشور را دارا می‌باشند. پاکستان، تماشای مسابقات فوتبال زنان را برای همه آزاد کرد. بازیکنان زن باید لباس‌های گشاد با شلوار و تی شرت آستین بلند بپوشند. زنان در پاکستان با رعایت قوانین خاص پوششی و نشستن در جایگاه مخصوص نسبت به مردان، اجازه تماشای مسابقات مردان از جمله فوتبال را در کریکت دارند.

▪ برخی قوانین و دستورالعمل‌های رژیم جهت هر چه نهادینه کردن تبعیض جنسیتی و سخنان کارورزان رژیم!

✓ کافه نت‌ها در سراسر کشور مجبور به تقسیم بندی ساعات استفاده از اینترنت بر اساس جنسیت شدند که در صورت عدم رعایت این دستورالعمل با متخلفین برخورد قانونی خواهد شد. بر اساس این دستورالعمل، صاحبان کافه نت‌ها می‌بایست از حضور زنان با

پوشش نامناسب جلوگیری به عمل آورند. در رابطه با این عملکرد رژیم در راستای هرچه جدا سازی مردم بر اساس جنسیت توجه به سخنان مدیرکل امور زنان وزارت کشور که از یک نگرش کامل ارتجاعی نشات می‌گیرد، بسیار قابل توجه است. وی می‌گوید: «نگاه تساوی در کلیه زمینه‌ها به زن و مرد، تبعیض را در درون خود پرورش می‌دهد؛ زیرا هر یک از این دو جنس توانایی‌ها و نیازهای متفاوت دارند. فرشته ساسانی‌نژاد، اضافه می‌کند: آنچه که در مورد زن و مرد باید به تساوی برخورد شود، حقوق انسانی و ارزش‌های الهی این دو جنس است که هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. ولی در صحنه‌های اجرایی، جسمانیت زن و مرد متفاوت است، و زن در این جسمانیت نقصی ندارد که برای ارج نهادن به او به دیده تساوی با مردان به او نگرست، بلکه زنان تمایزات بعضاً ارجهی بر مردان دارند که به واسطه همین تفاوت‌ها، در بسیاری از اقدامات بسیار موفق‌تر از مردان عمل می‌کنند.

✓ شرکت واحد اتوبوسرانی واحد تهران از راه اندازی مینی بوس مخصوص بانوان خیر داد.

✓ رژیم مبتنی بر ولایت فقیه بیانیه پایانی کنفرانس "تقویت نقش زنان در جامعه" را امضا نکرد.

✓ تعدادی از نمایندگانی مجلس شورای اسلامی در تذکری به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواستار جلوگیری از همخوانی آوازخوانی زنان شدند. تعدادی دیگر نیز در تذکری دیگر به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بر لزوم جلوگیری از نمایش فیلمهای ضد اسلامی، ضد اخلاقی و ضد دفاع مقدس تأکید کردند.

✓ طرح سهمیه بندی رشته‌های دانشگاهی بر اساس جنسیت در دستور کار قرار گرفت. فاطمه حیدر پور، عضو مجلس رژیم در باره این طرح گفت: «زنان ما اگر می‌خواهند دنبال علم و دانش باشند، باید به

دنبال کسب علم و دانشی باشند که بیشتر در خانه به درد بخورد و نباید بیش از وظیفه شان در اداره جامعه نقش آفرینی کنند».

✓ آیین نامه نهایی طرح موسوم به توسعه فرهنگ حجاب و عفاف به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رژیم رسید و به دستگاه های مختلف دولتی و غیردولتی ابلاغ شد. بر اساس این طرح، کمیته نظارتی در شورای فرهنگ عمومی تشکیل شده که وظیفه آن، جمع آوری گزارش فعالیت های تمام دستگاه ها و سازمان ها، هر شش ماه یک بار است تا نحوه اجرایی شدن آیین نامه گسترش و ترویج آنچه که «فرهنگ توسعه عفاف و حجاب» خوانده شده، مورد بررسی قرار گیرد. باید متذکر شد که طرح موسوم را ابتدا شورای فرهنگی اجتماعی زنان رژیم تهیه کرد و در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و به دستگاه های اداری مختلف هم ابلاغ گردید و با روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد در دیماه سال گذشته در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت. در تهیه آیین نامه نهایی طرح موسوم به توسعه فرهنگ عفاف و حجاب، نمایندگانی از وزارت ارشاد، صدا و سیما و نهادهایی همچون سپاه پاسداران، حضور داشتند. یکی از بندهای آیین نامه این طرح، تبیین فلسفه حجاب، تقویت بنیه اعتقادی، اخلاقی و باورهای دینی است.

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان ۲۷ سال سال پیش در مجمع عمومی سازمان ملل در ۳۰ ماده تصویب شد. از ۱۹۱ کشور عضو سازمان ملل، تنها نه کشور موضع خود را نسبت به این کنوانسیون روشن نکرده اند از جمله ایران. رئیس جدید مرکز امور مشارکت زنان رژیم که اکنون به مرکز امور زنان و خانواده تغییر نام یافته، طیب زاده نوری در همین رابطه عنوان کرد: «تا زمانی که زنده است اجازه نمی دهد ایران به هیچ یک از موافقتنامه ها و

کنوانسیون های بین المللی درباره حقوق زنان ببینند، چون از طریق دین اسلام و آیات عظام می شود برای حل مشکلات موجود زنان اقدام کرد.» قابل ذکر است که کشورهای مسلمان چون عربستان، امارات متحده عربی، مصر و سوریه به این کنوانسیون پیوسته اند.

ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی می گوید: «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند». در همین رابطه در سال گذشته دست کم دو زن از کار کردن در خارج و تحصیل توسط رای دادگاه محروم گشته اند. البته باید متذکر شد که آمار واقعی و همه اخبار ها و گزارشات پیرامون این مسایل هرگز در خبرگزاری های وابسته مندرج نمی شود.»

احمدی نژاد بعد از هياهو راه انداختن بر سر ورود زنان به ورزشگاه ها برای تماشای مسابقات که شدیداً مورد مخالفت قرار گرفت و مانند حبایی ترکید، اینبار می خواهد دولت مهرورزی خود را در جامه اعمال تبعیض هر چه بیشتر بیاراید. او ابراز داشته که زنان نیمه وقت کار کنند اما تمام وقت حقوق بگیرند تا بتوانند بیشتر به کار خانه بپردازند!! این مساله خشم مدافعان حقوق زنان را برانگیخته است.

معلوم نیست که چرا اگر این دولت به این میزان مهرورز است، حقوق هزاران هزار کارگر و پرستار و معلم به موقع پرداخت نمی شود و با نرخ تورم افزایش نمی یابد!!

مشاور فرماندهی کل و مسئول دفتر امور زنان سپاه رژیم گفت: «زنان باید یادشان باشد که علیرغم تمام مسئولیت هایی که دارند، نقش اصلی آنها تربیت فرزندان و گرم کردن کانون خانواده است که البته این هم نیاز به گذشت و ایثار دارد. پروانه رضا قلی زاده، مشاور استاندار اردبیل در امور بانوان و دبیر کار گروه زنان و خانواده استان اردبیل، در همایش روز خانواده گفت: اسلام به عنوان مکتب انسان ساز به کانون مقدس خانواده توجه ویژه

دارد که این کانون باید به مامن آرامش بخش همراه با عشق و ایثار برای تربیت فرزندان سالم در جامعه تبدیل شود.»

▪ وضعیت زنان در ایران

پانصد و پنجاه زن بی سرپرست و بد سرپرست در گرگان وجود دارد. آنان زنانی هستند که از شوهران خود طلاق گرفته و یا شوهران معتاد دارند. طبق آمارهای غیررسمی، حدود بیست و چهار هزار زن سرپرست خانوار در این استان وجود دارند که فقط شانزده هزار و چهارصد و سی و دو نفر از این تعداد زیرپوشش خدمات کمیته امداد و سازمان بهزیستی می‌باشند. میانگین سنی آنان سی تا پنجاه سال است که بدلیل طلاق، مفقود الاسر و متواری شدن، فوت، زندانی و تبعید همسران خود با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم می‌کنند.

شهر مشهد حدود هفتصد و پنجاه هزار نفر حاشیه نشین دارد که اغلب آنان را زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند که با فقر مضاعف مواجه هستند.

واحد تولیدی «سپیدان غرب» کرمانشاه تعطیل شد و پانزده زن کارگر، بیکار شدند.

بسیاری از صنایع دستی شهرستان گناوه از جمله فرش دستباف توسط زنان تولید می‌شود که البته از این طریق سودی نصیب آنان نمی‌شود.

هفتاد درصد کارگر زن کارخانه ریسندگی و بافندگی در زابل، ماهانه تنها ۵۰ هزار تومان دستمزد دریافت می‌کنند. آنها از بیمه درمانی بی‌بهره‌اند و از کلیه مزایای شغلی هم محرومند.

شاخص سهم مشارکت اقتصادی زنان در سال هشتاد و چهار، حدود ۱۸ درصد گزارش شده است. میزان بیکاری زنان کشور بیش از مردان می‌باشد و نرخ بیکاری در میان زنان جوان ۱۵ تا ۲۴ سال و ۱۵ تا ۲۹ سال حدود ۲ برابر مردان در گروههای سنی یادشده گزارش شده است.

آمار شاغلان زن به چهار و دو دهم درصد کاهش یافته است، نه و چهارده صدم درصد از مشاغل اداری از سال پنجاه و دو تا پنجاه و پنج به زنان تعلق داشت که با تبلیغات پیرامون نقش خانگی این روند نیز رو به کاهش است.

نرخ بیکاری زنان فارغ التحصیل دانشگاهی بالای ۳۵ درصد است. تعداد افراد فارغ التحصیل در رشته های کادر پرستاری ۵۵۰۰ نفر است که بیش از یک هزار نفر آنان بیکار هستند. تعداد پرستاران اصفهان یک سوم استاندارد جهانی است، بیش از ۲۰ درصد از فارغ التحصیلان پرستاری در استان اصفهان به دنبال کار هستند و این در حالی است که تعداد پرستاران فعال در بیمارستان های این استان تنها یک سوم استاندارد جهانی است. علاوه بر این شصت درصد پرستارانی که مشغول به کار هستند از درجات مختلف اضطراب رنج می‌برند.

براساس سرشماری سال ۱۳۷۵، نسبت باسوادی در بین مردان ۸۵ درصد و در بین زنان ۷۴ درصد بوده اما از نظر اشتغال تفاوت‌های زیادی بین دو جنس وجود دارد. طبق آمار سرشماری سال ۱۳۷۵ سهم زنان فعال از نظر اقتصادی ۹ درصد بوده که این منعکس‌کننده میزان اندک مشارکت اقتصادی - اجتماعی زنان در مقایسه با مردان در جامعه است.

از ۴۷۸ هزار نفر بی‌سواد محض در استان آذربایجان شرقی ۶۱ درصد بی‌سوادان یعنی ۲۹۲ هزار نفر متعلق به زنان است.

در حال حاضر ۳۵۰ تا ۳۸۰ هزار معلم فاقد مسکن داریم که ۵۳ هزار نفر از آنان بالای ۲۵ سال سابقه دارند و ۶۶ هزار و ۶۱۸ نفر از آنان زوج فرهنگی و ۴ هزار و ۴۲۹ نفر سرپرست خانواده هستند. این در حالیست که بانک ها حدود ۵ میلیارد تومان وام مسکن در اختیار معلمان می‌گذاشتند که این مساله نیز از سال هشتاد و سه قطع شد.

نرخ امید به زندگی زنان استان مرکزی سه و چهار دهم درصد پایین‌تر از شاخص کشوری است. از سوی دیگر تعداد دانشجویان دختر استان مرکزی به ازای هر یکصد هزار زن، یکهزار و ششصد و چهار نفر می‌باشد

که این شاخص نسبت به کل کشور بیست و سه نفر بالاتر است. این استان از نظر میزان آسیب های اجتماعی رتبه سیزده در کشور را دارد و از نظر میزان مرگ و میر مادران باردار، بیست و سه درصد اعلام شده است.

یک سوم مرگ و میر مادران باردار به علت انجام سقط های غیر قانونی و غیر بهداشتی اتفاق می افتد.

از سال ۷۷ تاکنون، تعداد زنان معتاد در کشور سه درصد رشد یافته است. بر اساس آمارهای خبرگزاری های وابسته به رژیم مبتنی بر ولایت فقیه، هم اکنون هفت درصد معتادان کشور را زنان تشکیل می دهند. علاوه بر این، گزارش شده است که صد و پنجاه هزار دانشجوی کشور حداقل یک بار در ماه، مواد مخدر مصرف می کنند.

جرائم زنان بعد از انقلاب ۱۳ برابر شده است. حسین ذوالفقاری، جانشین فرمانده نیروی انتظامی رژیم در این رابطه می گوید: در حال حاضر، ۲/۵ درصد زندانیان کشور در جرایمی مانند جرایم اقتصادی، مواد مخدر، سرقت و ... را زنان تشکیل می دهند.

تنها ۱۴ درصد دختران دانشجو موفق به یافتن شغل می شوند این در حالیست که بیش از شصت درصد ورودی دانشگاه ها را زنان تشکیل می دهند و همچنین هفتاد درصد دانشجویان پزشکی سراسر کشور زن هستند.

نرخ بیکاری زنان در چهارمحل و بختیاری بیست و یک و شش دهم درصد گزارش شده است. در همین رابطه بالاترین نرخ بیکاری زنان، برابر با بیست و دو درصد، متعلق به استان تهران است.

بر اساس آمار، نمود درصد زنان مازندرانی در برداشت برگ سبز چای، هشتاد درصد در تولید گیاهان دارویی، هفتاد درصد در کشت پنبه، هشتاد درصد در پرورش کرم ابریشم، هفتاد درصد در صنایع دستی، شصت درصد در تولید برنج و سی درصد در بخش باغداری و مرکبات فعالیت می کنند. سهم زنان به عنوان نیروی کار کشاورزی در کشور چهل درصد اعلام شده است.

بیش از پنجاه درصد از تعاونی های زنان تهرانی ورشکسته و تعطیل شدند.

آمار افسردگی در بین بانوان چهارمحل و بختیاری از نرم کشوری بالاتر است. این میزان سی و هفت و شش دهم درصد گزارش شده است که این رقم در نرم کشور بیست و یک درصد است. چهار هزار زن از بیماری روانی و افسردگی "رنج می برند که مهمترین عوامل این مساله مشکلات اقتصادی، مردسالاری، سرکوب و اعتیاد به مواد مخدر همسران در این استان عنوان شده است. همچنین علت یک سوم طلاق در این استان، اعتیاد همسران به مواد مخدر بوده است. در همین رابطه میزان افسردگی زنان آذربایجان شرقی چهار و نیم برابر متوسط کشوری گزارش شده است.

بیست و یک درصد افراد جامعه به بیماری های روانی دچار هستند که درصد بالایی از این افراد را زنان تشکیل می دهند. بیست و پنج و نه دهم درصد از مبتلایان به بیماری های روانی را زنان و چهارده و نه دهم درصد را مردان تشکیل می دهند.

سی و پنج درصد زنان خانه دار برنامه ای برای پر کردن اوقات فراغت خود ندارند. همچنین بیش از پنجاه درصد زنان ایرانی اضافه وزن دارند و یا به چاقی مبتلا هستند که این میزان برای مردان چهل و شش درصد گزارش شده است. این مساله مبتلا شدن به بسیاری بیماری های خطرناک مانند بیماری های قلبی، دیابت و فشارخون و مفاصل ... را افزایش می دهد. همچنین کم خونی شایع ترین بیماری در بین زنان چهارمحل و بختیاری گزارش شده است. شیوع این بیماری در بین مردم استان پانزده درصد می باشد که از نرم کشوری چهاردرصد بالاتر است. بیست و پنج درصد از مردم این استان از جمله زنان با فقر ویتامین آهن روبرو هستند.

بر اساس آمار اعلام شده از سوی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، اسفند ماه سال هشتاد و چهار در خصوص اخبار و مطالب مربوط به زنان در ۳۱ روزنامه تعداد اخبار و مطالب مربوط به اعمال خشونت و اعمال مزاحمت علیه

زنان نسبت به بهمن‌ماه سال گذشته پنجاه و دو درصد افزایش داشته است. بر این اساس در موضوعات فرعی آسیب‌های اجتماعی بیشترین عناوین خبری مربوط به موضوع «خشونت و مزاحمت» با ۴۲/۳۹ درصد، «طلاق» با ۱۴/۷۸ درصد، «قتل و جنایت» ۱۱/۹۶ درصد، «سایر آسیبها» ۹/۷۸ درصد، «فرار و فساد» ۸/۲۶ درصد، «سرقت» ۶۱/۷ درصد و در مرتبه بعدی به ترتیب، «خودکشی» ۲/۸۳ درصد و «اعتیاد» با ۲/۳۹ درصد بوده است.

آمار طلاق طی سال ۸۴ در استان زنجان بیش از ۱۵ درصد افزایش داشته است.

خودسوزی روش پنجاه درصد زنان ایرانی برای خودکشی است. در سه استان کرمانشاه، کردستان و کهگیلویه و بویر احمد درصد خودکشی زنان به سی و هشت درصد می‌رسد و بعد از آن‌ها استان‌های بوشهر و خوزستان دارای آمار قابل توجهی در این زمینه هستند.

زنان در استان همدان هیچ پست مدیریتی ندارند.

سهم زنان در استفاده از اعتبارات بانکی ناچیز اعلام شده است. کارشناس مسئول امور زنان سازمان جهاد کشاورزی استان قزوین در همین رابطه گفت: زنان روستایی به علت نداشتن ضامن و وثیقه نمی‌توانند تسهیلات بانکی دریافت کنند.

براساس آمار نیروی انتظامی رژیم، در یک اقدام بی سابقه، رژیم استبدادی مذهبی طی هشت ماه اول سال هشتاد و پنج، یک میلیون و سیصد هزار تن از زنان میهنمان را به بهانه بدحجابی مورد بازجویی خیابانی قرار داده است. علاوه بر این شصت و چهار هزار زن در مرداد ماه گذشته بدلیل بدحجابی مورد بازپرسی قرار گرفته اند.

▪ اسامی برخی از محکوم شدگان به اعدام از سوی بیدادگاههای رژیم

✓ سمیه ۲۴ ساله به جرم قتل مجید ۲۲ ساله در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری به ریاست قاضی کوه کمره ای محکوم به اعدام.

✓ کبری رحمانپور به جرم قتل مادر شوهر خود به اعدام محکوم شده است و در صورتیکه وی موفق به کسب رضایت اولیای دم نشود، حکم اجرا خواهد شد.

✓ دل آرا دارابی به اتهام قتل مهین شصت و پنج ساله برای دومین بار در شعبه ۱۰۷ دادگاه ویژه اطفال رشت محکوم به اعدام شد. نامبرده زمان وقوع قتل ۱۷ ساله بوده است.

✓ فاطمه حقیقت پژوه ۳۵ ساله به جرم قتل همسرش بهمن ۳۰ ساله در شعبه ۱۶۰۱ و با تأیید شعبه ۲ دیوان عالی کشور برای دومین بار محکوم به اعدام شد.

✓ صغری ۲۶ ساله به جرم قتل مادرش طاهره ۵۵ ساله در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی نورالله عزیز محمدی محکوم به اعدام شد.

✓ خدیجه جاهد (معروف به شهلا) به اتهام قتل لاله سحرخیزان در شعبه ۱۱۵۴ مجتمع امور جنایی تهران به ریاست قاضی فخرالین جعفرزاده با تأیید دیوانعالی کشور محکوم به اعدام شد.

✓ زهرا معروف به شیرین ۴۰ ساله به جرم قتل همسرش حسین با سیانور در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی نورالله عزیزمحمدی و با تأیید شعبه ۳۳ دیوانعالی کشور محکوم به اعدام شد.

به گزارش ایران اکونومیست حکم قصاص زن متهم به قتل همسرش که نامش «ز-خ» عنوان شده است از سوی قضات شعبه هفتاد و یک دادگاه کیفری تهران صادر شد.

✓ فرزانه صادقی که دختر ۴ ساله ای را در شهرستان «سلسله» به قتل رسانده بود در تاریخ دوازده اردیبهشت ماه سال هشتاد و پنج در ملا عام به دار آویخته شد.